

برنامه‌ریزی معماری

پای صحبت یک معمار از یک دنیای عددی زیبا...!

طبق معمول باید این‌جور شروع کرد؛ ضمن معرفی خودتان کمی از فعالیت‌هایتان بگویید! من نادر روزرخ دانش‌آموخته رشته معماری از دانشگاه تهران و دکترای برنامه‌ریزی معماری از دانشگاه لانکستر انگلستان، فعالیت‌های حرفه‌ای خود را از سال 64 شروع کرده، تا به امروز مستمرا این موضوع را ادامه داده‌ام. تخصص من در برنامه‌ریزی معماری است و با همکاران در این عرصه افتخار همکاری دارم.

تاریخچه معماری، اعداد و ارقام یا برنامه‌ریزی معماری؟

تاریخچه برنامه‌ریزی در معماری از بُعد جهانی به سال‌های بعد از جنگ جهانی برمی‌گردد که در واقع معماری صنعتی رشد کرده، تولید انبوه پیش می‌آید، کنترل بودجه بیشتر مورد نظر قرار می‌گیرد، بانک‌ها در پروژه‌های عمومی مشارکت می‌کنند و این علم در واقع از درون معماری زایش پیدا می‌کند و به عنوان یک علم مستقل پدید می‌آید؛ در واقع تعاملاتی که بین گروه طراحی و دستگاه سفارش دهنده پروژه پیش می‌آید برنامه‌ریزی معماری در واقع آن را فرموله می‌کند. در دنیا برنامه‌ریزی معماری در قالب سامانه کارفرما فعالیت می‌کند یعنی نیازمندی‌های کارفرما را مورد سنجش قرار داده، تبدیل به کمیت‌های معین می‌کند و از طریق کارفرما در قالب دستور نقشه پروژه به آرشیوتکت ابلاغ می‌شود. در اروپا این آرشیوتکت نیست که تشخیص می‌دهد کارفرما به چه عواملی نیاز دارد، بلکه کارفرما قبل از شروع کار نیاز خود را به وسیله برنامه‌ریزی معماری فرموله می‌کند. برنامه‌ریزی معماری با متخصصین مختلفی از جمله اقتصاد (مالی) و همکاران دیگر در عرصه‌های دیگر به نسبت خود موضوع پروژه همکاری می‌کنند؛ برای مثال برای پروژه‌های مانند بیمارستان همکارهای برنامه‌ریز معماری، پزشکان متخصصی هستند که گردش کار بیمارستان را تشریح می‌کنند و برنامه‌ریز آن را به شکل سطوح و روابط عملکردی در واقع تحقیق می‌کند. اگر سوژه دیگری مانند آموزش عالی باشد در واقع برنامه‌ریز با اساتید آن رشته که صاحب کرسی هستند مذاکراتی انجام می‌دهد. در کشور ما تقریباً از سال 1345 که سازمان برنامه و بودجه تاسیس شد این علم به صورت واضح نه، ولی در جریان پروژه‌ها برای تامین اعتبار پروژه‌ها، تالیف پروژه‌ها در لایحه بودجه وارد شد که در واقع ما تخمین بزینم که اقدامات سال‌های بعد در حوزه ساختمان چه چیزهایی می‌تواند باشد و این تخمین را برنامه‌ریزی می‌کردند و طبیعتاً همراه با کامل شدن اطلاعات و روش‌ها و دیدگاه‌ها تکمیل شده و به شرایط امروز رسیده، در واقع ما در شرایط امروز فناوری برنامه‌ریزی را در کشورمان داریم، و اینکه از آن به درستی استفاده کنیم و به درستی عمل کنیم به خود ما بر می‌گردد. من در اینجا بسیار مایل هستم که به نکاتی اشاره کنم که برای این موضوع بسیار لازم است، نیاز است ما به نکاتی مانند ترمینولوژی، روانشناسی و... در معماری توجه کنیم که ما در کمان را در واژه‌هایی که به کار می‌بریم و معانی وابسته به آن واژه‌ها باید تحقیق کنیم برای مثال یک واژه‌ای در فرهنگ شهرسازی و معماری وجود دارد به نام تراکم که بسیار زیاد از آن استفاده می‌کنیم، تراکم از منظر مقررات شهرداری تهران که در شورای عالی معماری و شهرسازی به تصویب رسیده، به معنی توده ساختمانی روی زمین است در صورتیکه در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی برای اینکه اعتبارات پروژه‌ها را تنظیم کنند کل زیر بنا را مورد نظر قرار می‌دهند کل پروژه هم در رو و زیر زمین را با یک فی قیمت ساخت متناسب می‌کنند سپس ضرب کرده و به قیمتی می‌رسند که در بودجه برای پروژه باید کنار گذاشته شود، بنابراین آن قسمتی که زیر زمین ساخته می‌شود هم جزو موضوع است. وقتی شما عملاً ساختمان را با کل زیربنا طراحی می‌کنید، می‌سازید، تنظیم می‌کنید به کار بردن واژه تراکم برای آن مقداری که روی زمین است یک کار الکن است یعنی نارسایی فراوانی دارد و خطاهای فاحشی به بار می‌آورد هم اکنون مرکز آمار ایران اطلاعاتی که از بابت مقادیر ساختمانی تولید شده در کاربری‌های مختلف برداشت می‌کند تماماً روی زمین‌ها را مد نظر می‌گیرد که نادرست است؛ در کل سهل‌انگاری در تعریف واژه برای ما خسارت‌های جبران‌ناپذیری در عرصه پراتیک به همراه دارد.... برنامه‌ریزی معماری در واقع کوشش می‌کند که این موضوع را به عهده بگیرد که من خودم شخصاً روی این مساله خیلی کوشش کردم که فرهنگ جامعی از این مطلب ایجاد کنم، این ترمینولوژی و متعاقب با آن متدولوژی برخورد با آن، عرصه‌هایی هستند که در واقع ما کوشش می‌کنیم برای همکاران بعدی فضاها را به وجود بیاوریم، در مصاحبه شما هر واژه‌ای که من به کار می‌برم داکيومنته است. مشکل دیگر که مشکل عمومی کشور ماست این است که ما در مقابل فناوری‌هایی که از اروپا و آمریکا وارد می‌شود، خودمان موظف هستیم که تطابق با نظام اجتماعی خودمان بدهیم و این کار اگر انجام نگیرد در واقع عملاً به معنی پذیرش مفاهیمی است که در نظام بیگانه‌ای با نظام ما دوام پیدا کرده، وارد سیستم ما شده‌است که خود یک سری خسارت‌های جبران‌ناپذیری ایجاد می‌کند که ما را در این مسئولیت قرار می‌دهد که باید حتماً نسبت به تطبیق با شرایط خودمان عمل کنیم.

کوشش برنامه‌ریزی معماری بر این است که هر چه واقعی‌تر، هر چه ملموس‌تر، هر چه صحیح‌تر نیازمندی‌های کارفرما را تدوین کند و در واقع این اوامر را در سطوح معین در روابط عملکردی مشخص به دستور نقشه طراحی معماری تبدیل کند.

شما در کجای این پروسه قرار دارید؟

کاری که من بر آن متعهد هستم که در کشور خودم این مساله را به نتیجه برسانم و طبیعی است که مانند هر کار دیگری من پیشکسوت‌هایی داشته‌ام، اساتید و بزرگان کسانی بوده‌اند که قبل از من این کار را شروع کرده‌اند و از سال 45 تا کنون بسیاری از همکاران ما در این عرصه فعالیت داشته‌اند که خروجی‌های آنها برای من هم آموزش و هم مدرک برای کارهای بعدی بوده‌است و به همین ترتیب هم من به نسبت به بقیه انتقال داده‌ام که چند نفر از دانشجویانم این موضوع را به صورت علمی ادامه می‌دهند.

تاریخچه برنامه‌ریزی معماری در ایران از کجا شروع شده، توسط چه کسانی بنیان‌گذاری شده‌است؟

از سال 1345 شروع شده و یک سری اسامی است که در خاطر من نیستند.

شما در توضیح سوال قبلی از کلمه ترمینولوژی استفاده کردید یک تعریف از ترمینولوژی برای ما ارائه کنید.

یعنی واژگان فنی مترتب بر کار معماری؛ در کار معماری کسی که طراحی معماری انجام می‌دهد باید واژگان فنی خود را تعریف کند برای مثال منظور از کانسپت یا ترکیب چیست یا برای مثال در برنامه‌ریزی معماری وقتی کلمه تراکم را به کار می‌بریم به معنی توده ساختمانی در زمین است یعنی زیربنای کل تقسیم بر مساحت زمین که با فرمول f_g تقسیم بر مساحت زمین نشان می‌دهم.

فعالیت‌هایی که در جهت توسعه امر محاسبات و برنامه‌ریزی در زمینه معماری پیش رو دارید را توضیح دهید.

یکی از کارهایی که من انجام داده‌ام این است راجع به ترمینولوژی و واژه‌ها است و پیشنهاد آن را به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به عنوان متولی این مساله داده‌ام اما هنوز بازتاب جدی نداشته‌است؛ بحث دیگر تدوین معیارهای فنی است یا تدوین به قول شما استانداردها که دارای سه بخش است معیارها، شاخص‌ها و ضوابط فنی و معیارها در واقع اندازه‌های پایه برای انجام فعل هستند یعنی اندازه است معالفاغ از بایدها و نبایدها. بنابراین ما در حوزه تدوین معیارها و شاخص‌ها لازم است بسیار کوشش کنیم که این تعهد را من شخصا بر عهده گرفته‌ام که برای هر کاربری اطلاعات پایه را جمع‌آوری کرده‌ام و به اطلاعات کامپیوتری با هزینه شخصی تبدیل می‌کنم و همان کار نویفرت در آلمان را با شرایط ایران انجام می‌دهم و به عنوان یک مهندس این مملکت وظیفه خود می‌دانم این کار را انجام دهم که برای صنف خودمان و استفاده خودمان است. اطلاعات نویفرت پس از 30 دفعه تجدید نظر تبدیل به استاندارد اروپای متحد شده‌است. علم توسط حکومت تولید نمی‌شود، علم توسط عالم تولید می‌شود و حکومت از آن استفاده می‌کند. اکنون محوری‌ترین رسالت من برای این کشور تولید استاندارد جامع کشور است که بحث ساختمان‌های اداری آن به پایان رسیده و منتشر هم شده‌است، در بحث قضایی هم به پایان رسانده و تحویل دستگاه‌های ذیربط داده‌ام. ساختمان‌های ثبت احوال، ساختمان‌های آموزش عالی تقریباً تمام شده‌اند.

آقای دکتر برای کاربری مسکونی چه فعالیت‌هایی را انجام داده‌اید؟

موضوع مسکن تا جایی که من اطلاع دارم در سازمان ملی زمین و مسکن این پروژه تعریف شده، به عنوان تقاضای ضوابط طراحی فضا های مسکونی کشور و مدارک آن نیز تولید شده و مهندسان مشاور زیستا این کار را انجام داده‌اند و کار بسیار تحسین‌برانگیزی انجام داده‌اند که به امید خدا منتشر خواهد شد که بسیار راه‌گشا خواهد بود، ولی نکته حائز اهمیت این است که ما نباید به استاندارد به عنوان یک نکته ثابت نگاه کنیم بلکه یک جمع‌آوری اطلاعات مقطعی است که همراه با شکوفایی کار تولید ساختمان و تعمیق درک ما نسبت به موضوع همواره جای تکمیل شدن باقی می‌گذارد همانند نویفرت که هر بار پس از تجدید نظر کامل‌تر شده‌است.

نظر شما در باره قرار دادن چنین واحد‌درسی برای دانشجویان معماری چیست؟

این درس را من با عنوان برنامه‌ریزی معماری به شورای انقلاب فرهنگی پیشنهاد داده‌ام و تأیید شده، از طریق این تأییدیه شورای برنامه‌ریزی وزارت علوم به سیلابس تبدیل کردند و به تمامی دانشگاه‌های کشور ابلاغ شده است در دوره لیسانس بعد از ترم ششم 2 واحد نظری و عملی به نام برنامه‌ریزی کالبدی است و آموزش برنامه‌ریزی معماری کاملاً قطعی است ولی به غیر از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز هیچ دانشگاهی نپذیرفت، که در این دانشگاه همکاران محترم گشایشی ایجاد کردند که مورد استقبال قرار گرفت و بعد از 2 ترم به صورت آزمایشی به صورت درس رسمی ارائه شد و دانشگاه آزاد تهران مرکز جز معدود دانشگاه‌هایی است که برنامه‌ریزی کالبدی را

در مقطع لیسانس ارائه می‌دهد ولی بقیه دانشگاه‌ها اغلب جای این واحد تخصصی را با واحد اختیاری تعویض کرده‌اند یا همکاران برنامه‌ریز شهری به عنوان اساتید برنامه‌ریز معماری انتخاب شده‌اند که دو علم کاملاً متفاوت است.

آینده معماری معاصر ایران را در جایگاه یک تئوریسین معماری در عرصه برنامه‌ریزی چگونه پیش بینی می‌کنید؟

البته این اطلاق واژه تئوریسین شما که به بنده افتخار می‌دهید من در جایگاه اندیشمند روی موضوع معماری کشور قرار دارم و نمی‌توانم از این موضوع به راحتی رد شد که هر کدام از ما که تجربه‌ای می‌اندوزیم این رسالت را با خودمان خواهیم داشت که اظهار نظرهای مقرون را اصلاح کنیم و نه برای مطرح کردن خودمان یا خراب کردن موضوع. در این بحث به نظر من معماری کشور به هر حال رو به تمرکز و اصلاح روش‌ها خواهد رفت انبوه سفارشات که به ما داده می‌شود و زمان‌های کوتاهی که برای آن در نظر گرفته می‌شود و نیازمندی‌های فزاینده مردم که هم افزایش کمیت است و هم ارتقا آگاهی‌شان، ما را در مقابل این مساله قرار می‌دهد که ما موظف هستیم که این مسیر را هموار کنیم، من به عنوان یکی از همکاران و دست‌اندرکار در این موضوع تلاش خود را برای ایجاد یک سری تسهیلات در این زمینه انجام داده‌ام استاندارد معماری کشور تسهیلات بزرگی خواهد بود که آن را به شما یعنی روزنامه الکترونیکی ARUNA هدیه می‌کنم [ادیتور آرونا: به محض اسنکه این اطلاعات به دستمان برسد در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت] که هر آرشیتکتی از هر نقطه کشور بتواند از این اطلاعات استفاده کند و در واقع این را یک هدف برای خودم تعریف کرده‌ام که در امتداد رشد و شکوفایی معماری کشور در آینده قرار خواهد گرفت و به این ترتیب بعد از کامل شدن این موضوع آرشیتکت‌ها و طراحان ما به جای تحقیقات روی استانداردها و تهیه گزارش، کار اصلی خود که همانا طراحی است را انجام می‌دهند و به کیفیت طراحی توجه خواهند کرد.